

به حقوق کودکان احترام بگذارید

« حفیظ الله زکی »

دوازده جوزا برابر با دوم جون مصادف با روز جهانی کودک است. از این روز در سراسر جهان تجلیل به عمل می آید. هدف آن تشویق و تلاش خانواده ها، اعضای جامعه، نهادها و سازمان های مدنی و بخصوص دولت ها در راستای رعایت حقوق کودک و نهادینه سازی آن در فرهنگ عمومی جامعه است.

با وجودی که همه ساله در سطح بین المللی بر مسایل مختلف مربوط به حقوق کودک تأکید صورت می گیرد و علاوه بر حقوق، مشکلات و چالش های فراروی تربیت و رشد کودکان به بحث گرفته می شود؛ اما باز هم حقوق کودکان در سراسر جهان نادیده گرفته می شود و تاهنوز انکشافات قابل قبولی در این زمینه به وجود نیامده است.

اگرچه نقض حقوق کودکان فراگیر و عمومی می باشد، اما این مسأله به خاطر محرومیت ها و نارسایی های که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، شدید تر، گسترده تر و عمیق تر بوده و کودکان در این جوامع با انواع مشکلات، محرومیت ها و خشونت ها مواجه می باشند.

عوامل مختلفی چون حاکمیت نظام پدرسالاری در خانواده که به تبعیض دوامدار جنسیتی منجر می شود، نوع روابط و مناسبات میان شهروندی که در آن شخصیت و هویت مستقل اطفال به رسمیت شناخته نشود و سیاست های کلان اقتصادی و اجتماعی که کودکان را شهروندان درجه چندم به شمار آورد، همگی در ترویج کودک آزاری، تشویق اعمال خشونت علیه کودکان و افزایش انواع سوء استفاده های جنسی و اقتصادی از کودکان نقش دارند. برعکس اگر فرهنگ خانواده، جامعه و سیاست های کلان اقتصادی و اجتماعی بر مساوات، برابری و عدالت استوار باشد و برای کودکان حقوق ویژه و متناسب با نیازهای آنان در نظر گرفته شود، وضعیت اطفال از لحاظ حقوقی بهبود قابل ملاحظه ای پیدا می کند.

خشونت و انکار حقوق کودکان امروزه ابعاد تازه ای پیدا کرده و از اطفال به گونه های مختلف در باندهای مختلف قاچاق، فعالیت های غیر قانونی اقتصادی، گروه های جنایت پیشه، جنگ و انجام حملات انتحاری و انفجاری استفاده می شود. از همین رو کنوانسیون حقوق کودک تصویب شد. کنوانسیون حقوق کودک کیکنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می کند. دولت های کهنای معاهدات مضارده اند موظف به اجرا یا نه هستند. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت.

کود کبر اساس ماده یک این کنوانسیون بهر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می شود .

مگر آنکه قانونی که در مورد کودک کسنت قانونی کمتر یا تعیین کرده باشد.

در این کنوانسیون از جمله به حقوق زیر تصریح گردیده است:

کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذیربط در اختیار وی قرار گیرد و در وضع قوانینی بدین منظور منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد.

کودک باید از امنیت اجتماعی بهره مند گردد، در محیطی سالم پرورش یابد... کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات صحتی مناسب را داشته باشد.

کودک باید از آموزش رایگان و اجباری، حداقل در مدارج ابتدائی بهره مند گردد.

کودک باید از امکانات کامل برای بازی و تفریح با همان اهدافی که در مورد آموزش او آمد برخوردار گردد،

کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام

کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد.

کودک باید در مقابل هر گونه اعمال و رفتاری که ترویج تبعیضات نژادی، مذهبی و غیره را ممکن سازد، حمایت شود. کودک باید با روحیه‌ای پر تفاهم، گذشت، معتقد به دوستی بین مردم، صلح و برادری جهانی و با آگاهی کامل بر اینکه توانائی و استعداد وی باید وقف خدمت به هموعانش شود، پرورش یابد.

با این همه فقر و تبعیض بسیاری از کودکان را در سراسر جهان از تعلیم و تربیه صحیح بازداشته و انواع کارهای شاقه و خارج از توان کودکان را بر آنان تحمیل نموده است.

امیدواریم که در پرتوی قوانین شفاف و عادلانه و ایجاد و ترویج فرهنگ مدارا و انسانی، حقوق مسلم و انسانی کودکان در جامعه ما و در همه جوامع رعایت گردد.

مسئولیت های ریاست عمومی حقوق

« دردانه فضائلی »

دفاع از حقوق مدنی اتباع به اساس شکایت، تطبیق فیصله های محاکم در رابطه با منازعات مدنی، ارائه مشوره های حقوقی، دعوت به مصالحه و میانجگیری طرفینمنازعه و ارائه آگاهی عامه حقوقی از طریق رسانه های همگانی از جمله صلاحیتهای ادارات حقوق در ولایات و مرکز می باشد.

ادارات حقوق جهت انجام مسؤولیتهای و ایفای وظایف محوله مطابق احکام قانون ضرورت به همکاری ارگانهای دولتی و خصوصی بویژه پولیس دارد. قانون، ارگانهای مزبور را مکلف به همکاری با ادارات حقوق وزارت عدلیه نموده و تمام ادارات دولتی به استثنای محاکم مکلف اند که عرایض وارده حقوقیرا جهت بررسی به ادارات حقوق وزارت عدلیه بسپارند.

دفاع از حقوق مدنی اتباع به اساس شکایت

ادارات حقوق وزارت عدلیه به اساس شکایت اتباع وظایف و صلاحیتهای ذیل را در حل و فصل منازعات مدنی و تجارتهای دارا می باشد:

- ثبت عرایض وارده در کتاب مربوط و دادن رسید به عارض.
- جلب معروض علیه از طریق اداره مربوطه پولیس اگر معروض علیه از جمله کارکنان ملکی و نظامی نهادهای دولتی و خصوصی باشد اولاً از طریق اداره مربوطه رسماً جلب می گردد. در صورت عدم همکاری به سلسله پولیس تحت جلب قرار داده می شود.
- اخذ ضمانت از معروض علیه. همچنان شخص ضمانت کننده در مورد مطالبه معروض علیه توسط ریاست حقوق مکلف به احضار آن می باشد.
- تفهیم نمودن کتبی مطالبه عارض به معروض علیه بعد از احضار وی.
- مطابق به احکام قانون تحصیل نمودن حق ثابت شده عارض در مدت (۱۵) یوم.
- بعد از موافقه دائن و مدیون تحصیل حق ثابت دائن را مهلت و یا قسط نمودن.
- تحصیل دین دائن در میعاد معینه. باید در نظر داشت که حالات ذیل از این امر مستثنی است:
 - الف- در صورتی که دائن کتباً به مدت بیشتر قسط و یا مهلت موافقه نموده باشد.
 - ب- در صورتی که دین در اثر تجویز محکمه ذیصلاح مطابق به احکام قانون قسط شود.
- به موافقه رئیس و یا امر اداره محل با نظر داشت استطاعت مدیون، پیشنهاد طلب دائن را ترتیب، غرض تعیین اقساط به محکمه ذیصلاح ارائه نماید. به هر صورت مطابق قانون قسط مذکور را ماهوار تعیین واز نه قسط بیشتر نمی تواند باشد.

- اخذ ده یکه.

- تطبیق فیصله های نهایی و قطعی محاکم.

مطالبه حق توسط عریضه رسمی صورت می گیرد که این عریضه‌های شهرت مکمل عارض، معروض علیه و تعیین وجه یا شی مورد منازعه همراه با نشان انگشت عارض می باشد. اگر حق مطالبه شده از اموال منقول و یا غیر منقول باشد عارض به تعیین قیمت و حدود اربعه آن مکلف بوده علاوه بر آن عارض باید اصل یا نقل سند مربوط را همراه با عریضه به اداره حقوق نشان دهد. اداره حقوق موضوع را طبق قانون بررسی نموده در صورت اثبات حق اداره مذکور مکلف به تحصیل و سپردن آن به ذیحق می گردد. همین طور اداره حقوق می تواند با نظر داشت یک سلسله اسناد به تحصیل حق دائن بپردازد که این اسناد عبارت اند از:

۱- اسنادی که در محاکم ذیصلاح طور قطعی و نهایی ترتیب و صادر شده باشد و دارای ثبت محفوظ قضاء و عاری از جعل و تزویر باشد.

۲- اسنادی که در سفارت خانه ها یا نمایندگهای سیاسی کشور ترتیب و به تصدیق وزارت امور خارجه دولت رسیده و با قوانین نافذه مخالفت نداشته باشد.

۳- فیصله های که توسط کشور خارجی بین تبعه خارجو افغانی بشکل نهایی بر اساس قواعد حقوقی بین الدول خصوصی صادر و از طرف وزارت امور خارجه تصدیق شده باشد.

۴- سائر اسنادی که به آن اعتبار شرعیو قانونی داده شده باشد.

به خاطر باید داشت که قبل از سپردن عریضه به اداره حقوق، جهت مطالبه حق خویش عارض مکلف است به محلی که معروض علیه سکونت دارد مراجعه نماید. فقط جهت تحصیل نفقه و کسوت ناشی از عقد ازدواج عارض مکلف نیست که به مسکن معروض علیه مراجعه نماید در این مورد اداره حقوق محل سکونت زوجه مکلف است که با اداره حقوق محل سکونت زوج رسماً اطلاع دهد.

محل سکونت

عبارت از محلی است که شخص بیشتر از یکسال در آنجا زندگی داشته باشد. و یا محلی که شخص در آنجا وظیفه رسمی غیر موقت داشته باشد، یا محلی که شخص در آنجا فعالیتهای تجارتي و پیشه اختیار نموده باشد. همچنان سائرمحلاتی که در قوانین دولتی بحیث محل سکونت شخص پیشبینی شده است.

اداره حقوق، مکلفیت بررسی عرایض وارده حقوقی مانند تحصیل حقوق مدنی و تجارتي اشخاص حقیقی و حکمی را دارا می باشد. بنا بر این منازعات مدنی و تجارتي را بررسی نموده و اجراء مقتضی را در زمینه انجام می دهد.

در صورتی که معروض علیه اعتراض داشته باشد و یا عرض عارض مطابق احکام قانون طرز تحصیل حقوق قابل تحصیل نباشد موضوع با طرفین غرض فیصله به محکمه ذیصلاح راجع می گردد. در غیر این صورت قضیه به محکمه احاله نشده، بلکه اجراء طبق قانون طرز تحصیل حقوق صورت می پذیرد.

ضمان اتلاف مال

« عبدالرحمن عظیمی »

شخصی که مال شخص دیگری را به ناحق تلف می نماید شرعاً و قانوناً مکلف است تاوان ضرر ناشی از آن را بپردازد، فرق نمی کند مال تلف شده نزد خود صاحب مال باشد، یا به طور امانت نزد شخص امین قرار داشته باشد. به هر صورت تلف کننده مکلفتادیه جبران خساره مال تلف شده می گردد.

در ایجاد ضرر اراده و قصد شخص ضرر رسان هم مطرح نمی باشد، خواه تلف کننده مال غیر، این عمل را قصداً انجام داده باشد و یا بدون قصد در هر حالت مجبور و مکلف به جبران خساره متضرر می باشد. همان طوری که ایجاد سبب اتلاف،

موجب تاوان می‌گردد، بی توجه در تهیه وسایل ممکنه و عدم رعایت احتیاط نیز سبب می‌شود شخص تاوان ضرر ناشی از آن را به متضرر بپردازد. در صورتی که از اثر بی‌توجهی و عدم رعایت احتیاط یک شخص، ضرری به مال شخص دیگر وارد گردد، مقصر مجبور و مکلف ساخته می‌شود به متضرر جبران خساره نماید. جبران خساره ناشی از ضرر طوری صورت می‌گیرد که اگر در نتیجه رسانیدن ضرر کل مال تلف شده باشد تاوان کل مال، در صورت تلف ساختن قسمتی از مال، تاوان همان قسمت که خساره مند گردیده بالای شخصی که ضرر رسانیده لازم می‌گردد. بالفرض در اثر عمل یک شخص شیشه موتر شخص دیگر شکسته شود، بالای تلف کننده فقط تاوان همان شیشه تلف شده لازم می‌گردد، نه بیشتر از آن، البته در هر حالت باید شخص عاقل، بالغ و غیر مکره ضرری را به طور قصدی و یا از اثر بی‌احتیاطی به شخص دیگر برساند، مکلف به پرداخت تاوان ناشی از ضرر دانسته می‌شود و خساره از دارایی وی جبران می‌گردد.

هر گاه صغیر ممیز یا غیر ممیز و یا شخصی که به حکم قانون غیر ممیز پنداشته شود، مال کسی را تلف نماید تاوان مال تلف شده از دارایی متعلق به خودش اخذ می‌شود. در صورتی که اینها مال و دارایی از خود نداشته باشند تا زمانی که صاحبمال و دارایی شوند برای شان طوری مهلت داده می‌شود. زمانی که مال و دارایی کسبنمود خساره وارده از مال وی جبران می‌شود. ولی وصی و قیم آنها مکلف به تاوان ساخته نمی‌شوند. مگر این که از طرف محکمه آنها مکلف به پرداخت تاوان مال تلف شده گردند. در این صورت اشخاصی که تاوان ضرر مال را مطابق حکم محکمه پرداخت نموده‌اند، حق دارند در صورت دارا شدن تلف کننده مال، از وی تاوان ضرر پرداخت شده را مطالبه نمایند.

باید خاطر نشان ساخت، بعضی اوقات امکان دارد اجرای عمل ضرر توسط یک شخص صورت گیرد، گاهی امکان دارد در اجرای عمل ضرر چند نفر سهیم باشند. در صورت اول همان شخص واحد مکلف به تادیه جبران خساره شناخته می‌شود. اما در صورتی که اجرای عمل ضرر رسانیدن در نتیجه اشتراک چند نفر طوری صورت گرفته باشد. قسمی که یک تعداد طوری مستقیم و بالفعل و تعداد دیگر در تهیه وسایل، امکانات، تلف کننده را کمک نموده باشد. هر یک آنها که از روی قصد به طور آگاهانه ضرر را انجام داده باشند، مکلف به جبران خساره متضرر می‌باشند. اما درحالتی که ضرر به وجود آمده مشترکاً توسط شرکای مباشر و مسبب به میان آمده باشد، تاوان ضرر بالای همه شان لازم می‌گردد. در غیر آن متسبب زمانی مکلف به پرداخت تاوان می‌شود، که فعل متسبب منجر به وقوع ضرر شده باشد.

تکرر در جرم

فیض الله خواجه امانی

تکرر در جرم حالتی را گویند که شخص بعد از ارتکاب جرم و محکوم شدن به جزای قطعی از طرف محکمه، تکراراً مرتکب جرم شود. مثلاً شخصی به نام (الف) مرتکب جرم سرقت شده بعد از دستگیری و طی مراحل محاکماتی از طرف محکمه محکوم به جزا می‌گردد با آن هم شخص مذکور مرتکب جرم دومی می‌گردد که مشابه به جرم قبلی باشد یا نه، یعنی جرم سرقت را مرتکب شده باشد یا جرم اختلاس را، در هر صورت چون تکراراً جرم را مرتکب می‌شود این حالت را تکرر در جرم می‌گویند.

تکرر در جرم را علمای حقوق به چندین حالت ذیل بیان داشته اند .

۱- تکرر واقعی و تکرر فرضی

یک عده قوانین (مانند قانون جزای فنلند ، قانون جزای آلمانو قانون جزای عسکری ترکیه) تنفیذ مجازات تعیین شده از طرف محکمه را برای موجودیت تکرر شرط می‌دانند و عده دیگر از قوانین (مانند قانون جزای سویس، یونان و کود جزای فرانسه، قانون جزای افغانستان) صرف حکم محکمه را که صادر می‌شود صرف نظر از این که بالای مجرم تنفیذ شده یانه، بر موجودیت تکرر ضرور می‌دانند که اولی را به نام تکرر واقعی و دومی را تکرر فرضی یاد می‌نمایند.

طرفداران سیستم تکرر واقعی معتقدند، مجرم قبل از محکومیت قطعی با ارتکاب جرم دومی قانون را هیچ شمرده که این حالت تشدید مجازات از اثر ارتکاب جرم دومی را حق به جانب نشان داده نمی‌تواند. ایشان دلیل می‌آورند که اگر جزای تعیین شده تطبیق می‌گردید مجرم هیچ وقت قانون و حکم محکمه را کم ارزش ندانسته و به قانون احترام می‌گذاشت اما باز هم اگر با وجود تطبیق شدن مجازات مرتکب جرم دومی می‌گردد، حکم محکمه و قانون را هیچ می‌شمارد و در مقابل مجازات بی‌احساس می‌باشد، جامعه حق دارد تا در مقابل همچو اشخاص تدابیر جدی تری را اتخاذ نماید و برای مجرمین مجازات شدید تری تطبیق گردد.

اما کسانی که طرفدار سیستم فرضی هستند به نظر ایشان تشدید مجازات در تکرر به معنای عدم کفایت مجازات قبلی نمی‌باشد بلکه حالت خطر ناکی است که در صورت ارتکاب جرم دومی بوجود آمده است. البته علمای معاصر حقوق بیشتر به این نظریه تمایل داشته تکرار را به حیث یک حالت خاص مربوط به شخصیت مجرم تلقی می‌نمایند و این نظریه به قوانین اکثریت کشورها مد نظر گرفته شده است.

۲- تکرر عمومی و تکرر خصوصی

طرفداران نظریه تکرر عمومی بین جرم قبلی و جرم بعدی هیچ نوع مماثلت و عینیت را شرط نمی‌گذارند، هرگاه بین جرم قبلی و جرم بعدی عینیت و مماثلت را شرط نگذاشته باشند این نوع سیستم‌ها را سیستم تکرر خصوصی می‌نامند. الف - طرفداران نظریه سیستم تکرر خصوصی معتقد اند که تکرر اساسی همانا تکرر خصوصی است. مثلاً مجرمین بسیار خطرناک مجرمینی هستند که با به کار بردن تخنیک‌ها و تکنیک‌های خاصی در این مسلک متخصص شده‌اند، اگر مماثلت بین جرم قبلی و جرم بعدی وجود نداشته باشد از عدم کفایت و عدم تاثیرات مجازات اولی سخنی به میان نخواهد بود. بناءً برای این که تشدید مجازات حق به جانب دانسته شود باید جرایم ارتکابیه مشابه یا مماثل باشند. و یا این که می‌گویند مجرمی که عین جرم اولی را مرتکب نگردیده است اصلاح موصوف از اثر تطبیق مجازات جرم دومی آشکار است چه مجازات اولی وظیفه خود را انجام داده فاعل را از ارتکاب همچو جرایم مانع گردیده در صورت ارتکاب جرم دومی مجازاتی که قابل تطبیق است جهت از بین بردن تمایل جرمی فاعل کافی است. بناءً تشدید مجازات در این نوع تکرر حتمی نیست، اما در صورت تکرر خصوصی این تشدید حتمی است.

از نقطه نظر کسانی که طرفدار تکرر عمومی هستند کسی که بعد از فعل دزدی مرتکب جرم قتل عمدی گردد در برابر مردم و جامعه احساس مسئولیت نمی‌کند و به قواعد حاکم جامعه اطاعت ندارد، بناءً تطبیق مجازات شدیدتر بالای همچو مجرمین به خاطر اعتیاد به جرم شان نمی‌باشد بلکه به خاطر عدم مسئولیت که در برابر جامعه از خود نشان می‌دهند می‌باشد، لذا هر قدری که جامعه از اثر تمایل ارتکاب جرم و معتادین این نوع جرایم محتاج حمایه و محافظ می‌باشد، همان قدر بدون موجودیت کدام تفاوت در مقابل کسانی که مرتکب جرم ابتدایی می‌گردند نیز احتیاج حمایت را دارند.

عناصر مسئولیت جزایی

«گلالی سنگر خیل عزیزی»

هدف یا مقصد از عنصر، اصول و موادی است که مسئولیت را تشکیل می‌دهد. برای تحقق مسئولیت جزایی موجودیت سه عنصر ضروری است

۱- جرم به وقوع پیوسته باشد.

۲- فاعل یا شخصی که مرتکب عمل جرمی گردیده، دارای قابلیت و اهلیت تحمل مسئولیت باشد.

۳- میان عمل ارتکابیه ناشی از جرم یا ترک فعل جرمی و نتیجه حاصله، رابطه علیتیا سببیت وجود داشته باشد.

۱- وقوع جرم

عنصر اولی و اصلی مسئولیت جزایی عبارت از ارتکاب عمل مجرمانه‌است که از مجرم به وقوع پیوسته باشد.

فاعل زمانی مسئول دانسته می شود که در وقوع جرم، عمل جرمی به وی نسبت داده شود. وقوع عمل جرمی ناشی از اجرا و یا امتناع از عملی است که قانون آن را جرم دانسته باشد؛ یعنی این که قانون ارتکاب اعمالی را ممنوع اعلام نموده و شخص آن را اجرا می کند و یا شخصی را به انجام وظیفه ای مکلف می گرداند؛ ولی موصوف از اجرای آن امتناع می ورزد.

وقوع جرم که معمولاً باعث ایجاد ضرر و خساره می گردد از جمله یکی از عوامل عمده در به وجود آوردن مسئولیت جزایی دانسته می شود، چه این خساره متوجه فرد باشد یا اجتماع و یا هر دو؛ به هر صورت از اثر عمل جرمی که نقض قانون یا تخلف از آن است، خساره و صدمه ای وارد می گردد، این صدمه می تواند به شکل مادی تبارز نماید و یا به شکل معنوی. صدمه مربوط جسم و حیات شخص باشد یا سبب اتلاف مال و منفعت گردد این مال و منفعت مربوط شخص معین باشد یا دولت یا سایر اشخاص حقوقی.

شرطی که در این مورد موجود است این است که عمل شخص صرف سبب ایجاد زیان و خساره مالی به دیگری نشده باشد، زیرا ضرر مالی قابل جبران است و جنبه جرمیت پیدا نمی کند.

۲- قابلیت و اهلیت تحمل مسئولیت

عنصر دوم مسئولیت جزایی است و مسئولیت جزایی عبارت از داشتن اهلیت و تحمل مسئولیت فاعل می باشد. زمانی فعل جرمی به فاعل نسبت داده شده می تواند که عامل، قابلیت یا اهلیت تحمل مسئولیت را داشته باشد. یعنی مسئولیت جزایی زمانی تحقق می یابد که جرم به شخص عامل نسبت داده شود.

بعضی از علل و اسباب وجود دارد که بیشتر جنبه ذهنی و داخلی دارد. طوری که بدون نص صریح قانون موجودیت چنین عوامل در خود شخص سبب آن می گردد، تا نتوان عمل ارتکابیه جرمی را به شخص منسوب نمود. اگر اعمال جرمی به شخص غیر مسئول نسبت هم داده شود، اثری بر آن مرتب نخواهد شد؛ زیرا موصوف قابلیت تحمل مسئولیت را ندارد. قابلیت و تحمل مسئولیت به شخصی که عاقل و بالغ باشد متوجه می گردد زیرا مقنن در قانون به خاطر داشتن مسئولیت شرط گذاشته است تا شخص از لحاظ جسمی و روانی دارای قدرت و تدبیر بوده و با داشتن عقل و آگاهی مرتکب عمل شده که به خوب و بد عمل و نتایج ناگوار آن علم داشته باشد.

۳- موجودیت رابطه سببیت

عنصر سوم تحقق مسئولیت جزایی وجود رابطه بین عمل جرمی و نتیجه حاصله آن می باشد که به نام رابطه علیت و سببیت یاد می گردد. علیت یا سببیت واسطه ای است که اگر وجود نداشته باشد جرمی واقع نخواهد شد. موجودیت عنصر مادی (اجرا و یا امتناع از عمل خلاف قانون) شرط دانسته که میان عمل و نتیجه، رابطه سببیت وجود داشته باشد به نحوی که عمل مذکور منجر به نتیجه جرمی شود.

قانون جزا به خاطر انتساب جرم به متهم و تحقق عنصر مادی جرم، شرط دانسته است تا میان عمل و نتیجه موجود شده، رابطه سببیت وجود داشته باشد.

اثبات رابطه سببیت یک امر ضروری است طبق آن می توان نتیجه را به مرتکب منسوب نمود و موصوف را وادار و متحمل به عواقب بد عملش نمود.

در حالاتی که اجرا و امتناع از عمل مستقیماً باعث حصول نتیجه مشخص شده باشد، مشکلی به بار نمی آورد، زیرا تثبیت رابطه سببیت میان عمل جرمی و نتیجه واضح است، اما مواردی وجود دارد که میان عمل جرمی و نتیجه، اسباب و عوامل دیگری به وقوع می پیوندد که تثبیت و تشخیص رابطه سببیت را مشکل می سازد. موجودیت چند عامل موجب آن می شود تا معلوم شود که کدام آن در احداث کدام نتیجه موثر بوده است.

بناءً باید ماهیت عمل مجرمانه مورد مطالعه دقیق و همه جانبه قرار داده شده، تاثیر علت را در به وجود آوردن نتیجه مجرمانه مشاهده نمود، که آیا کدام علت مناسب دانسته می شود.

حقوق ملکیت های ذهنی

« عاقله رایض »

آثار اصلی پدید آورندگان که در یکی از وسایل عینی موجود یا وسایلی که بعداً به وجود می آید، تشبیت و از طریق آن (صرف نظر از ارزش، کیفیت، هدف یا سبک بیان آنها) درک، تجدید، تولید یا به شکل دیگری انتقال می یابد. اعم از این که طور مستقیم یا به کمک دستگاه و یا وسیله دیگر باشد، حق طبع و نشر آن مورد حمایت قرار می گیرد.

آثار مورد حمایت

آثاری که از لحاظ طبع و نشر مورد حمایت قرار می گیرند عبارت اند از:

- ۱- کتاب، رساله، مقاله، نمایشنامه و سایر نوشته های علمی و فنی و هنری
- ۲- شعر که شامل ترانه، آهنگ و تصنیفی که به هر وسیله و روش نوشته، ضبط یا نشر شده باشد
- ۳- اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه های نمایش که از پرده یا از طریق رادیو و تلویزیون ضبط یا نشر شده باشد

۴- نقاشی، تصویر، طرح، نقشه های جغرافیایی

۵- پیکره یا مجسمه

۶- اثر عکاسی که با روش ابداعی پدید آمده باشد

۷- اثر ابتکاری مربوط به صنایع دستی (نقشه های قالین، گلیم، نمد و ملحقات آن)

۸- اثر فنی که جنبه ابتکاری و ابداعی داشته باشد

۹- برنامه های کامپیوتری

۱۰- آثار اقتباسی

و حمایت از سایر آثاری که مطابق به یکی از میثاق ها، موافقتنامه ها و کنوانسیون های بین المللی قابل حمایت باشد.

ویژگیهای آثار مورد حمایت

۱- محسوس بودن شکل اثر- معمولاً افکار و اندیشه ها تا زمانی که از قالب ذهن خارج نشده اند در قالب عینی و قابل لمس تجسم نمی یابند و یا به عبارت دیگر اثر وقتی مورد حمایت قانون قرار می گیرد که شکل گرفته و شخصیت پدید آورنده به نحوی از انحا در آن تجلی پیدا کرده باشد. شکلی بودن اثر بدین تعلق دارد که همه بتوانند از آن بهره مند شوند.

۲- اصالت اثر- اثری قابل حمایت است که ابتکاری و اصیل باشد، بدین معنا که مظهر معنویات پدید آورنده و انعکاس از افکار او باشد.

۳- مالکیت داشتن اثر- باید توجه داشت تنها قابلیت مبادله و ارزش اقتصادی اثر معیار مالکیت اثر نیست، بلکه نقش عرف و مطابقت اثر با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز برای مورد حمایت قانونی بودن اثر لازم است.

حقوق مادی پدید آورنده

حق بهره برداری انحصاری ناشی از تکثیر یا عرضه عمومی اثر که در بردارنده منافع مالی برای پدید آورنده می باشد شامل ویژگی های ذیل است

۱- ویژگی قابلیت انتقال یا واگذاری

ملکیت های فکری مانند علامت تجاری یا دانش فنی (Technology) خصوصیت تکثیری داشته بعضی در آن واحد و بدون تغییر در سراسر جهان قابل تکثیر و انتشار است. برخلاف مالکیت مادی که استفاده همزمان از آن ممکن نیست. در زمانی که خود مالک استفاده کند، دیگران نمی توانند از آن استفاده کنند. بناءً در مالکیت فکری بهره برداری یا شخصی است یا حقوقی که با حفظ منبع به دیگران واگذار نماید.

- به صورت عام واگذاری و انتقال به دو صورت انجام می گیرد.
- الف- انتقال اختیاری، که خود به سه شکل ذیل صورت می گیرد:
 - شخص پدید آورنده میل و رغبت خود را در مورد استفاده از ملکیت معنوی خویش ابراز کرده باشد.
 - هرگاه اثر به سفارش یک شخص حقیقی خلق شده باشد برای مدتی معین حقوق مادی آن متعلق به سفارش دهنده می باشد.
 - وصیت تملیکی که شخص در ثلث مال به حقی از حقوق فکری خود به نفع شخصی دیگر وصیت نماید.
- ب- انتقال جبری یا قهری، در حالات ذیل صورت می گیرد
 - در اثر فوت صاحب حقوق فکری این حقوق به ورثه او یا قایم مقام قانونی او منتقل می گردد.
 - فروش و انتقال اجباری به حکم مقامات قضائی، مثلاً شرکتی که ورشکست می شود بخشی از دارایی های شرکت که ممکن است مالکیت فکری باشد، به طلبکاران او منتقل می شود.

۲- موقتی بودن اثر

دومین ویژگی حقوق مادی محدود بودن آن به زمان معین است و این وابسته به قوانین هر کشوری می باشد؛ مثلاً در ایران و انگلستان و کشور ما (افغانستان) قانون ثبت علائم و اختراعات حق انحصاری مزبور را حد اکثر برای مدت بیست سال به رسمیت شناخته؛ ولی قوانین امریکا انحصار این حق را هفده سال می داند. علت موقتی بودن حقوق مادی این است که اثر ادبی یا هنری و سایر حقوق فکری برای استفاده عموم پدید آمده است و اثر مذکور به مرور زمان جز دارایی فکری و معنوی جامعه می گردد و از مالکیت خصوصی خارج شده و به مالکیت عامه تبدیل می شود.

انواع حقوق مادی:

- حق نشر و تکثیر
- حق اقتباس و ترجمه
- حق تلخیص و تبدیل
- حق عرضه و اجرا
- حق استفاده از پاداش
- حق تعقیب

حقوق معنوی پدید آورنده

برای پدید آورنده یک اثر فکری حقوق و مزایای غیر مادی نیز وجود دارد که مربوط به شخصیت او می باشد و برخی از این حقوق به عنوان حقوق اخلاقی یاد می شود.

ویژگی های حقوق معنوی

- ۱- وابسته به شخصیت حقیقی می باشد. پدید آورنده یک اثر ممکن است یک نفر یا چند نفر باشد و مالکیت معنوی هرگز نمی تواند به صورت کل به طرف دیگر منتقل شود و از حیث اخلاقی، اثر همواره با نام پدید آورنده همراه خواهد بود.
- ۲- غیر قابل انتقال بودن؛ این حق به موجب قرارداد به شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) انتقال نمی نماید و علت این است که بنا بر طبیعت و ماهیت این حقوق است که اقتضای عدم انتقال به غیر را دارد. حتی وارث. گرچه می تواند این حق را اجرا کند ولی اصل حق به او منتقل نمی شود و قسمی که مولف می تواند در اثر خود تغییرات و نظریه بدهد یا آن را از بین ببرد بازماندگان او چنین اختیاری ندارد.
- ۳- دایمی بودن؛ این حقوق محدود به زمان و مکان هستند و به مرور زمان ساقط نمی شوند.

انواع حقوق معنوی

- حق انتشار اولیه
- حق انتساب اثر به مؤلف
- حق اقدام یا حرمت اثر در برابر تغییرات

شرایط استفاده از حقوق مالکیت معنوی

هرگونه بهره برداری از یک مطلب یا اثر نیازمند اخذ مجوز از نویسنده آن اثر را دارد؛ ولی در این زمینه بعضی معافیت‌ها و استثنائات وجود دارد، که ذیلاً آن را بیان می‌نماییم:

- استفاده توسط اشخاص حقیقی نه حکمی و صرف جهت استفاده به مقاصد علمی و شخصی و اخذ اطلاعات فردی و غیر اقتصادی یک نقل یا کپی واحد آن، نقض حق تجدید چاپ محسوب نمی‌شود. گرچه کشورهای مختلف در مورد این که کپی به چه تعداد باشد اختلاف دارند، ولی می‌توان گفت که دو یا سه کپی بیشتر قانوناً مجاز نیست.
- نقل و قول با طول‌های متفاوت به شرطی که با اهداف اصلی پدید آورنده هماهنگ باشد، مجاز است.
- استفاده از مطالب حمایت شده به منظور آرشیف، مثل کتابخانه، یا مراکز تعلیمی یا تحقیقات علمی تا وقتی که منبع اصلی که حاوی نام نویسنده است، معلوم باشد.
- مقالات منتشره در مورد اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اخبار و موارد مشابه در حالی که چنین استفاده (انتشار و بهره برداری) از آنها آشکارا ذخیره نشده و اثر اصلی که حاوی نام نویسنده باشد، امکان تجدید چاپ عمومی را دارند.

به غیر از حالات فوق‌الذکر در صورت نقض حقوق اقتصادی یا معنوی صاحب اثر، کشورهای اروپایی مجازات‌های مدنی و کیفری دقیقی را پیش‌بینی کرده‌اند. مجازات‌های مدنی شامل تنبیه و جبران خساره یا تسلیم کردن نسخه‌های غیر قانونی یا وسایل به کار گرفته شده در آن می‌باشد و جزاهای کیفری از جریمه شروع و با زندان‌های (۵) ساله پایان می‌یابد، که در کشورهای مختلف مجازات متفاوت وجود دارد. در قانون کشور ما برای این‌گونه تخلفات مجازات نقدی و حبس هردو در نظر گرفته شده است.

اصطلاحات حقوقی

تقنین: ترتیب و آماده نمودن قواعد قانونی توسط مقامات صلاحیت دار دولت.

تکفل: تعهد شخص معین به ادای وجبیه وی.

تکلیف: عملی که فرد ملزم به انجام آن می‌باشد.

تمرد: هر گونه عدم اجرای احکام نهایی محاکم.

تمسک قانونی: استدلالی که بر مبنای احکام قانون صورت می‌گیرد.

تنازع قوانین: باهم متضاد واقع شدن ماده‌های دو یا بیشتر قوانین ملی و بین‌المللی پیرامون یک موضوع حقوقی معین.

تناقض: حالتی که متن یا قول جدید با متن یا قول سابق در تضاد قرار گیرد.

تنفیذ: تطبیق حکم و وضع مجازات بالای مجرم.

تنفیذ اجباری: جاری ساختن حکم صادره قضاء با استفاده از صلاحیتهای قانونی نهادهای حراست و تطبیق قانون که در صورت عدم تنفیذ اختیاری، اعمال می‌گردد.

توشیح: تأیید و امضاء مصوبه مجلسین شورای ملی توسط رئیس جمهور بوده که ضمن فرمانی ابلاغ می‌گردد.

توقیف محدودیت بر آزادی شخص که از طرف مقام ذیصلاح و مطابق احکام قانون به منظور کشف حقایق و یا جلوگیری از فرار متهم یا متهم در مرحله قبل از محاکمه بالای شخص مورد نظر اعمال می‌گردد.

توقیف خانه: محلی که اشخاص متهم جهت اكمال تحقيق در حال انتظار محاکمه در آن نگهداری می شود.
منبع: قاموس اصطلاحات حقوقی

معرفی قوانین تصویب شده قانون معارف

سید محمد رضا فخری

قانون معارف به تاسی از حکم مندرج ماده ۷۹ قانون اساسی افغانستان که به اساس مصوبه شماره ۲۰ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۷ شورای وزیران به داخل ۱۱ فصل و ۵۲ ماده تأیید گردید و به توشیح رئیس جمهور نیز رسیده است. براساس این قانون وزارت معارف مکلف گردیده تا یک ماه بعد از انفاذ قانون مزبور به منظور معادلت سیستم جدید رتب و معاشات معلمان، استادان و مدرسان مربوطه، پلان مرحله وار آموزش داخل خدمت را تهیه و ترتیب نموده، امتحان ملی مهارت های معلمی را بعد از انفاذ این قانون از آنها اخذ نماید.

این قانون به تاسی از احکام مندرج مواد ۱۷، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ قانون اساسی افغانستان، به منظور تنظیم امور معارف در کشور وضع گردیده است و اهداف آن قرار ذیل است:

تامین حق مساوی تعلیم و تربیه برای اتباع جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رشد و توسعه نظام معارف همگانی، متوازن و عادلانه، تقویه روحیه اسلامی و وطندوستی، تربیه اطفال، نوجوانان و جوانان به حیث افراد متدین و اعضای مفید و سالم جامعه، رشد و انکشاف استعدادهای شاگردان، تقویه روحیه احترام به حقوق بشر، تقویه روحیه مسولیت فردی، اجتماعی و قانون پذیری معلمان، فراهم نمودن زمینه مشارکت اولیای شاگردان، تعلیم و تربیه اتباع کشور، تامین تعلیمات متوسطه اجباری، امحای بیسوادی و فراهم آوری زمینه آموزش سریع برای اطفال و بزرگسالان بازمانده از مکتب در کشور، ارتقاء و بهبود کیفیت معارف، رشد و ارتقای سطح علمی و مسلکی معلمان و تاسیس، توسعه، ارتقاء، اعمار، ترمیم و تجهیز مکاتب، مدارس و سایر موسسات تعلیمی معارف از جمله اهداف مهم این قانون میباشد.

درفصل اول این قانون روی موضوعات حق مساوی تعلیم و تربیه بین تمام اتباع کشور بدون هیچ نوع تبعیض پرداخته شده است در این فصل روی وظایف و صلاحیت های وزارت معارف صحبت شده که شامل تنظیم برنامه های تعلیمات قبل از مکتب، تعلیمات متوسطه، ثانوی، تخنیکی مسلکی، حرفوی و هنری، تعلیمات رسمی اسلامی و سواد آموزی علاوه تاً تاسیس مکاتب، مدارس و موسسات تربیه معلم، لیلیه ها، وسایل درسی و تجهیزات مکاتب دولتی، صدور جواز مکاتب خصوصی و نظارت از فعالیت آنها، ایجاد کتابخانه ها، لابرتوارها، مرکز فرهنگی و ورزشی، صدور سند فراغت تعلیمی به فارغان دوره های تعلیمی مندرج این قانون نیز از وظایف وزارت معارف میباشد. علاوه تاً وزارت معارف در مورد معیار های تعلیمی، تعلیم غیر حضوری، تعلیمات قبل از مکتب و تعلیمات از طریق برنامه های رادیو و تلویزیون تعلیمی و تربیتی وظایفی را به عهده دارد.

در فصل دوم این قانون روی موضوعات تعلیمات متوسط (اساسی) دوره تعلیمات متوسط و اهداف دوره های تعلیمات متوسط (اساسی) جهت آماده ساختن شاگردان برای تعلیمات عالی مطالب آورده شده است.

در فصل سوم آن در رابطه به دوره تعلیمات ثانوی معلومات ارایه شده است که شامل کدام صنف ها میشود و به چی شکل تعلیمات ارایه میگردد در بدل پول و یا رایگان ثانیاً کدام اهداف را تعلیمات عمومی ثانوی دنبال میکند مطالبی آورده شده است.

در فصل چهارم قانون معارف در رابطه به تعلیمات اسلامی و دوره های تعلیمات اسلامی مطالبی ارایه گردیده است. این دوره شامل کدام صنف ها میگردد و آموزش کدام موضوعات اخلاقی دین مقدس اسلام در نظر گرفته شود. علاوه تاً تربیه علما، مبلغین، مدرسین و حافظان قرآن مجید، معلمان مسلکی علوم اسلامی به چی شکل باشد مطالبی آمده است.

درفصل پنجم این قانون در رابطه به تعلیمات تخنیکي مسلکی، حرفوی، هنری و دوره های تعلیمات آنها که شامل کدام صنف هاگردد و دوره های کوتاه مدت آموزش تخنیکي و اهداف دوره های تعلیمات تخنیکي مسلکی، حرفوی و هنری، نحوه آموزش نابینایان و معلولین روشنی انداخته شده است.

درفصل ششم آن مطالبی در مورد تربیه معلم، دوره تعلیمات تربیه معلم و اهداف دوره تعلیمات تربیه معلم و پروگرام های داخل و قبل از خدمت برای معلمان پروگرام های موثر را در نظر گرفته است.

درفصل هفتم قانون معارف در رابطه به مرکز ساینس و تکنالوژی تعلیمی و تربیتی، تاسیس مرکز آن و اهداف این مرکز که ارتقای سطح دانش علمی و مسلکی و رشد مهارت های عملی استادان و معلمان است مطالبی آمده است.

درفصل هشتم و نهم آن در مورد نصاب تعلیمی و نصاب واحد تعلیمی، تهیه، تدوین و انکشاف نصاب تعلیمی، زبان تدریس علاوه در مورد فعالیت های ماورای درسی و تطبیق این فعالیت ها، تاسیس خازندوی معارف برنامه های روی دست گرفته شده است.

درفصل دهم این قانون مطالبی در مورد تعلیمات سواد آموزی و سواد حیاتی، اهداف سواد حیاتی، تعلیمات اجباری سواد آموزی و سواد حیاتی، اداره و انسجام سواد آموزی و سواد حیاتی معلومات آرایه گردیده است.

درفصل اخیر آن احکام متفرقه آمده است که شامل ممنوعیت تعذیب جسمی و روحی، ممنوعیت فعالیت های سیاسی، لباس، معاش تشویقی، وقت کار، تقاعد، مساعدت، سند فراغت، وضع لوايح و طرز العمل ها مطالبی آورده شده است.

یکی از خصوصیات ویژه این قانون این است که با در نظر گرفتن معیار های بین المللی و تکنالوژی های جدید که روز به روز جهان را به یک دهکده تبدیل میکند، سازکار بوده و فرصت های مناسبی را برای نسل آینده ما مهیا می سازد و در قسمت تهیه آن مطالعه، تحقیق و ارزیابی همه جانبه صورت گرفته است تا قابلیت تطبیق یکسان آن در جامعه بر همهگان امکان پذیر باشد.

این قانون که از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردیده نافذ وسایر احکام مغایر، ملغی شناخته می شود.

کمکهای کانادا به وزارت عدلیه ادامه می یابد

دفتر حمایت از مساعدتهای حقوقی کانادا (CGSO) مقیم کابل، ۸ پایه پرینتر و یک پایه پروژکتور آموزشی را همراه با پرده اش به ریاست محترم تقنین وزارت عدلیه افغانستان تسلیم داد. این کمکها بخشی از پروژه جاری هستند که از طرف ریاست خارجه کانادا و تجارت بین المللی (DFAIT) اختصاص می یابد.

در یک تسلیمی غیر رسمی که روز دوشنبه مورخ ۱۸ می ۲۰۰۹ در کتابخانه تقنین صورت گرفت سرپرست موسسه CGSO فاروق فیصل در باره اهمیت تقویت زیر بنای تقنین اشاره کرد و گفت مهیا ساختن وسایل پیشرفته و تکنالوژی ارتباطی می تواند توانایی تقنین را بالا برده و فعالیت های این ریاست را به طور موثر پیش ببرد.

آقای سید یوسف حلیم رئیس ریاست عمومی انستیتوت امور قانونگذاری و تحقیقات علمی - حقوقی از کمکهای جاری حکومت کانادا در عرصه بازسازی افغانستان و خصوصاً در بخش عدلی و حقوقی قدردانی نمود.

آقای حلیم افزود که این ریاست در پیشبرد امور خود با مشکلاتی از جمله پرینت و تکثیر اوراق روبرو بود که با کمک وسایل جدید این مشکلات تا اندازه ای رفع خواهد شد.

خانم فوزیه عبدالهادی مشاور تخنیکي CGSO برای وزارت عدلیه نیز در این محفل گفت وسایل و خدماتی که از طریق این پروژه تا هنوز به تقنین آرایه شده است (مثلاً لپ تاپها و انترنت سریع که در یک محفل مورخ ۱۱ می ۲۰۰۹ به آنها تحویل داده شد، پروژکتور همراه به پرده) برای تحقق اهداف گسترده در آموزش قانونگذاری، که هسته اصلی این پروژه است لازم باشد.

قابل یادآوری است که رؤسای دیپارتمنت های انستیتوت قانونگذاری و تحقیقات علمی - حقوقی که در این محفل اشتراک داشتند از کمک های دولت کانادا و مؤسسه CGSO در تامین نیازمندیهای این انستیتوت و برنامه آموزشی که قرار است به زودی آغاز گردد، قدردانی نمودند.